

## نقش و جایگاه آداب تلاوت در مهندسی تلاوت

آقای دکتر محمدصادق علمی

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام ولادت امام جواد، امیرالمؤمنین، اعیاد رجبیه و دهه مبارک فجر را خدمت همگی تبریک عرض می‌کنم. آقای دکتر مجیدی‌مهر فرمودند که هدف تلاوت نباید مسابقه باشد، بنده دنبال این فکر را گرفتم که پس هدف تلاوت باید چه چیزی باشد؟

مروری خیلی سطحی بر قرآن کریم کردم، اهداف تلاوت را ده، پانزده مورد استخراج کردم، از فرمایش رهبری نیز - که بخشی از بیانات ایشان در طلیعه این کتابچه آمده بود - این‌طور می‌فهمم که بحث مهندسی تلاوت با قاریان و تالیان قرآن بوده، کسانی که تلاوت مجلسی می‌کنند و هدف ایشان مسابقه نبوده است. بنابراین موضوع صحبت من برمی‌گردد به اینکه کسی که قرآن را برای دیگران تلاوت می‌کند، چه اهدافی را باید دنبال کند و به دنبال چه اهدافی است؟

پس تلاوت برای دیگران نه برای خودش، چه مجلسی چه غیر مجلسی، چه اهدافی را باید دنبال کند؟ بنده از قرآن کریم مواردی را یادداشت کردم خیلی کوتاه و فشرده، فهرست وار عرض می‌کنم: یکی از اهداف تلاوت، تعلیم است: *یتلوا علیهم و یعلمهم* حالا این تعلیم گاهی ممکن است تعلیم ما لم تعلم باشد، گاهی تعلیم ما لم تکن تعلم، با فرقی که این دو تعبیر دارند. دوم - تربیت و تهذیب نفوس باید باشد: *و یزکیهم* سومین مورد تبیین حقایق و معارف باید باشد: *«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»* (آیه ۴۴ سوره نحل) چهارم - از اهداف تلاوت یک تالی برای مخاطبان، بر اساس آیات قرآن باید ازدیاد ایمان مخاطب باشد: *«وإذا تليت عليهم آياته زادتهم ایماناً»*

پنجم - از دیگر اهداف باید تقرّب مخاطبان باشد: *«لهم درجات عند ربهم»* ششم - تسبیح خدا باید باشد: *«وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا»* (آیه ۱۰۸ سوره اسراء) خیلی جالب است در بعضی از کشورها موقعی که جوانتر بودم تلاوت می‌کردم یا قاری خوبی تلاوت می‌کرد مردم آنجا تشویقشان سبحان الله بود، برای بنده خیلی جالب بود جمعیت همه باهم بلند سبحان الله می‌گفتند باید هدف قاری تسبیح باشد، من چنان بخوانم که مخاطب من به تسبیح بیفتد. هفتم - بشارت: *«فإنما یسرناه بلسانک لتبشّر به المتقین»* هشتم - انذار و هشدار: *«وتنذره قوماً لداً»* نهم - هدایت و سعادت بشر: *«انّ هذا القرآن یهدی للّتی هی اقوم»* دهم - شفای بیماران قلبی: *«ونزّل من القرآن ما هو شفاء»* و تعبیر مختلفی که در قرآن کریم در این زمینه آمده است یازدهم - آزادی انسان‌ها از اسارت‌های گوناگون: *«ویضع عنهم اصرهم والاعلال الّتی کانت علیهم»* دوازدهم - تلاوت تالی باید از کفر و ارتداد جلوگیری کند: *«وکیف تکفرون وانتم تتلی علیکم آیات الله»* سیزدهم - بیداری انسان‌ها: *«نذیراً للبشر و انّهم للاحدی الکبر»* چهاردهم - مبارزه با خرافات و جاهلیت و تمدن‌سازی: *«وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین»*

تلاوت کن آیات را تا این‌ها به اینجا برسند

پانزدهم - ازدیاد خشوع در مخاطبان: «و یزیدهم خشوعاً»

شانزدهم - سوز و گداز عاشقانه: و یخروون للذقان، و ییکون، هدف تالی باید این باشد که مخاطبان او به این حال بیفتند؛ وقتی منشاوی می‌خواند چه حالی پیدا می‌کنید؟

(ادامه) کلامم را در قالب چند نکته کوتاه عرض می‌کنم:

اهداف ذکر شده از تلاوت آیات را شما بهتر و بیشتر از بنده می‌دانید، (چون) آیات بیشتری را می‌دانید.

عزیزان، سروران، استادان آیا برای رسیدن به این اهداف، که قاری و تالی با تفاوتی که بین قرائت و تلاوت هست که به دلیل کمبود وقت، وارد این مباحث نمی‌شوم، آیا صفاتی برای تالیان ذکر شده؟ بله

تالیان قرآن باید متصف به صفاتی باشند، مؤدب به آدابی باشند؛

آقایان و بزرگان ما امثال غزالی در احیاء علوم الدین، مرحوم فیض در المحجة البيضاء فی احیاء الاحیاء و دیگران آداب را دو بخش کرده‌اند:

آداب ظاهری و آداب باطنی

اما بزرگانی مثل امام عزیزمان قدس الله نفسه الزکیه، میرزا جواد آقای ملکی تبریزی، (تا جایی که منابع این بزرگواران را دیدم اگر فرصت شود منابعی را آورده‌ام که برایتان بخوانم)

این‌ها معتقد به این هستند که (با توجه به برداشتی که بنده داشتم) آداب ظاهری هم در واقع باید مستند به باطن باشند، یعنی باطن دار باشند، آن حدیث مشهور را که امام سجاد گفتگویی با شبلی دارند، لابد حضور ذهن دارند عزیزان، امام می‌پرسند وقتی که این لباس‌ها را درآوردی که لباس احرام پوشی آیا این فکر را کردی، آیا نیت این بود؟ می‌گوید: خیر، شما وقتی لباس احرام پوشیدی این جور،... امام مدام سؤال می‌کند و آقای شبلی مدام می‌گوید: نه نه نه

و امام می‌فرماید بنابراین تو حج نکردی دوباره برگرد و حج را بجا بیاور!

آقایان در کتاب‌ها، استعاذه را بعنوان یک ادب ظاهری عنوان می‌کنند، امام در باب استعاذه عباراتی تکان دهنده دارند ایشان می‌فرمایند:

در بعض آداب استعاذه (فصل دوم مصباح دوم کتاب آداب الصلاة ص ۲۲۰ امام خمینی):

«قال تعالی فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم انه ...»

و این استعاذه و پناه بردن با لقلقه زبان و صورت بی روح و دنیای بی آخرت تحقق پیدا نکند چنان که مشهود است که این لفظ را کسانی هستند که چهل پنجاه سال گفته و از شر این راهزن نجات نیافته و در اخلاق و اعمال و بلکه عقاید قلبیه، از شیطان تبعیت و تقلید نموده‌اند اگر درست پناه برده بودیم از شر این پلید به ذات مقدس حق تعالی که فیاض مطلق ...

امام می‌فرماید که اگر این استعاذه ما (واقعاً) استعاذه بود که باید وضع ما بهتر از این بود

در بعضی از آداب تسمیه

باز امام عباراتی دارند، ایشان بعد از نقل حدیثی از توحید صدوق، می‌فرماید (ص ۲۳۴ آداب الصلاة):

بدان، جعلک الله و ایانا من المّتسمین بسمات الله که دخول در منزل تسمیه میسر نیست مگر بعد از دخول در منزل استعاذه و استیفاء حظوظ آن منزل، تا انسان در تصرف شیطان و مقهور در تحت سلطنت اوست، مّتسم به سّمات شیطانیه است و اگر غلبه تامه بر باطن و ظاهر او کرد، خود به تمام مراتب، آیت و علامت او گردد و در این مقام اگر تسمیه گوید با اراده و قوه و لسان شیطانی گوید و از استعاذه و تسمیه او جز تأکید سلطنت شیطانیه چیزی حاصل نشود!!

(من خیلی غصه خوردم و ناراحت شدم برای خودم که من کجایم؟ این همه قرآن خواندم و جلسه داری کردم)

ممکن است بعضی از عزیزان سؤال کنند که تأثیراتی که تلاوت های بزرگان مصری بر ما می گذارد آیا آن‌ها متخلّق به این اخلاق و مؤدّب به این آداب هستند یا خیر؟

بنده از جزئیات اطلاع ندارم اما بعضی را می شناسم مثل آقای عبدالباسط که سوره حشر و تکویر را در کاظمین تلاوت کرده، ایشان با صراحت اعلام می کند که متوسّل به امامین کاظمین (ع) شدم.

در مصاحبه دیگری از ایشان هست که می گوید قبل از هر تلاوت دو رکعت نماز می خوانم، دعا می کنم و آنجا هم متوسل می شود و این تلاوت از ایشان می ماند.

پس اگر کار فاخری هم هست این گونه است.

یا تلاوت معروف سوره آل عمران آقای اللیثی که خودشان با صراحت اعلام می کنند که تحت تأثیر فضای معنوی قرار گرفتیم.

بنده برخی از قراء مصری را دیده ام که این‌ها دائم الذکر بوده‌اند یک لحظه ذکر از زبان ایشان، از لب‌هایشان نمی افتاد.

پس هدف از تلاوت بیان شد.

ویژگی‌های آداب تلاوت را یادداشت کرده بودم که فرصت نیست.

آقای دکتر میرباقری در سال‌های قبل، از آداب صحبت کردند پس بنده وارد آن‌ها نمی شوم.

عزیزان من انسان تا خودش اهل خشوع نباشد چگونه می تواند در مخاطب ایجاد خشوع کند؟

علامه جوادی حفظه الله (استاد ما) می فرمود: تا خودت آتش نگیری چگونه می توانی اطرافت را گرما ببخشی؟

تو باید اول خودت بسوزی و آنگاه شاید از گرمای تو دیگران هم...

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

نقش تالیان قرآن در عملیات تلاوت، موارد دیگری را که دوستان مطرح کردند همه تحت عنوان تحسین القرائه قرار می گیرد یعنی یکی

از آداب قرائت، ترتیل است یکی تحسین القرائه است

آن مواردی که رهبری فرمودند انخفاض صدا، اعتلای صدا، نحوه القاء، همه این‌ها تحت تحسین قرار می گیرد، الحانی که اجرا می شود

الحان اهل فسوق نباشد الحان عرب باشد و همه این‌ها تحت عنوان کلی آداب برای ما آمده است.

اما نکته پایانی

در عملیات تلاوت، تالیان قرآن بخش فاعلیت قضیه را برعهده دارند، بخش قابلیت این عملیات برعهده مخاطبان است.

قاری که جای پیامبر نشسته است و تلاوت می کند اینکه ممکن است تلاوت او بر دل و جان ابوجهل تأثیر نگذارد اشکال ندارد، سخن ما

در این باب نیست که چقدر تأثیر گذار است؟ یا چرا می گذارد؟ بحث این است که تالیان قرآن چون جای پیامبر نشسته اند چون جای خدا

نشسته‌اند: نتلو علیک من نیا موسی و فرعون بالحق لقوم یؤمنون

یا در مورد پیامبر آیاتی که داریم

بنابراین برای اینکه امری تحقق پیدا کند مقتضی باید موجود باشد مانع باید مفقود باشد.

مقتضی را قاری و تالی ایجاد می کند ما با انتفاع و رفع موانع توسط مخالفان کاری نداریم و موضوع نشست هم نیست بنابراین ما باید چه

کنیم؟

ما زمینه‌ها را فراهم کنیم ما مقتضی هستیم ما بخش فاعلیت را برعهده داریم اما بخش قابلیت قضیه برعهده ما نیست و گاهی فکر می کنم

که نکند من قاری قرآن، من تالی که جای خدا نشسته‌ام آیات الهی را تلاوت می کنم جای پیامبر نشسته‌ام نکند که من نسبت به گوهری مثل

قرآن، جزء مطفین باشم؛ نکند که ویل للمطفین بلکه، نکند جزء مدلسین باشم اهل تدلیس.

پس وظیفه تالیان قرآن این است که مؤدّب به این آداب باشند، متخلّق به این خلیات باشند، خلاصه اینکه در جان‌های آماده تأثیر خودش

را خواهد گذاشت.

این ویژگی‌ها در بخش تالیان باید وجود داشته باشد آن‌ها متخلف باشند، اما در بخش دیگری که مستمعان و مخاطبان ما هستند قضیه به خود آن‌ها بستگی دارد.

بنده چون در خانه فقاقت و مرجعیت بزرگ شدم خیلی از عالمان و مراجع تقلید را دیده‌ام با خاطره‌ای عریضم را تمام می‌کنم: یکی از شاگردان مرحوم پدرم آیت الله مشکینی بود - خدا همه اموات و علما را رحمت کند- آیت الله مشکینی به حسب اینکه از شاگردان مرحوم پدرم بود حتی بعد از وفات پدر وقتی مشهد می‌آمدند لطف می‌کردند تشریف می‌آوردند منزل، یک روز آمدند منزل ما و صحبت از فعالیت‌های قرآنی مشهد شد، گفتم بله آقا ما یک جامعه قاریان در مشهد درست کرده‌ایم (آقای دکتر سرابی، فاطمی و دوستان دیگر هم در جامعه قاریان هستند) پرسیدند خب کجاست؟ چکار می‌کنید؟

گفتم فلان جا مرکزمان هست اگر می‌خواهید بیاید و ایشان گفتند فردا می‌آیم.

فردا آمدند و موقعی که خواستند بروند گفتیم ما می‌خواهیم هدایایی را به شما بدهیم چه چیزی بدهیم به شما؟

ایشان گفتند: چی دارید؟ گفتیم: ده تا نوار کاست از ده قاری استاد مصری می‌خواهیم به شما بدهیم.

ایشان گفتند: نه هر ده تا را از سید متولی عبدالعال بدهید!

بنده اصلاً تصور نمی‌کردم ایشان اسم قراء را بلد باشند، ضمن اینکه متولی جزء قراء درجه دو محسوب می‌شود.

بنده وقتی مرحوم متولی را شعی، در تهران ملاقات کردم گفتم آقا یک شوخی با شما بکنم؟ (تلاوت ایشان را از تلویزیون که می‌شنیدم حس می‌کردم ایشان نایب است).

گفتند اشکال ندارد

من متولد نجف هستم عربی هم بلدم

گفتم که آقا من تا حالا تصور می‌کردم که شما نایب هستید!

بعد گفتم که الحمدلله چشم دارم گفتم این از خشوع شماست و یکی از معانی (ابعاد) خشوع همین غضب البصر است.

در روایت هم داریم که: «اذا خشع قلبه خشعت جوارح»ه

بعد که این‌ها را گفتم ایشان با توضیحی خاص و با حال خاصی گفتند: الحمدلله رب العالمین

یعنی انکار نکردند

گفتم شما که با چشم بسته تلاوت می‌کنید، به کسی توجهی ندارید، این خشوع شما را می‌رساند ایشان گفتند: بله الحمدلله رب العالمین.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته